

باسمه تعالی

بی تفاوتی ها نخواستند.....

گزیده ی سخنان مقام رهبری در مورد

مذاکرات هسته ای - در سال ۱۳۹۲

من به این مذاکرات خوشبین نیستم.....

بعضی از مسئولین و دولتمردان آن دولت، بعد هم دولتمردان این دولت فکر میکنند در قضیه ی هسته ای ما با آمریکایی ها مذاکره کنیم [تا] موضوع حل بشود؛ گفتیم خیلی خب، اصرار دارید شما، در این موضوع بالخصوص بروید مذاکره کنید؛

ولی در همان سخنرانی اول امسال گفتم من خوشبین نیستم؛ مخالفتی نمیکنم اما خوشبین نیستم. ببینید مرتب پی در پی اظهارات سخیف آمریکایی ها را؛ سناتور بی آبروی آمریکایی از صهیونیست ها پول میگیرد تا برود در مجلس سنای آمریکا به ملت دشنام صریح بدهد، نه اینکه اهانت کند؛ دشنام میدهد. رؤسای کشورشان هم همین جور، در سطوح مختلف به ملت ایران [اهانت کند]. البته تودهنی را روز بیست و دوم بهمن از مردم خوردند. یکی از علل اجتماع گرم تر مردم امسال همین بود که مردم دیدند که چطور مسئولین آمریکا گستاخ، پررو، زیاده طلب، بددهن، بی ادب روبه رو میشوند؛ غیرت دینی مردم آنها را به میدان کشاند تا به دشمن بگویند: اشتباه نکن، ما هستیم. ملت ایران در این راهپیمایی بیست و دوم بهمن به همه ی ما به این حقیر، به مسئولین گوناگون، به زحمت کشانی که دارند در امور اداره ی کشور حقیقتاً زحمت میکشند؛ چه آنهایی که در باب سیاست خارجی کار میکنند، چه آنهایی که در باب سیاست داخلی کار میکنند خواستند بگویند: خاطرتان جمع باشد، ملت ایران ایستاده است، در صحنه است، در مواجهه ی با دشمن احساس ضعف نکنید؛ یکی از پیامهای بزرگ ملت ایران این بود. ۹۲/۱۱/۲۸

وقتی دشمن نگاه کرد، دید یک ملتی عازم است، ایستاده است، تصمیم دارد کار خودش را پیش ببرد، آن دشمن ناچار به عقب نشینی میشود؛ همین هم هست. این اشتباه آنها را ملت ایران به هم خواهند زد؛ اینکه خیال میکنند، میگویند ما تحریم کردیم، ایران مجبور شد بیاید پای میز مذاکره، نه، [این طور نیست]. ما قبلاً هم اعلان کردیم، قبل از این حرفها هم ما گفتیم [که] نظام جمهوری اسلامی درباره ی موضوعات خاصی که مصلحت بداند، با این شیطان برای رفع شر او و برای حل مشکل، مذاکره میکند؛ معنای این آن نیست که این ملت مستأصل شده است، ابداً. یکی از برکات همین مذاکرات اخیر این بود که دشمنی آمریکایی ها و مسئولین دولت ایالات متحده ی آمریکا با ایران و ایرانی، با اسلام و مسلمین آشکار شد، برای همه مدلل شد، همه این را فهمیدند. ۹۲/۱۰/۱۹

یک تجربه ای در اختیار ملت ایران است که حالا من مختصراً عرض خواهم کرد این تجربه ظرفیت فکری ملت ما را بالا خواهد برد؛ مثل تجربه ای که در سال ۸۲ و ۸۳ در زمینه ی تعلیق غنی سازی انجام گرفت، که آن وقت تعلیق غنی سازی را در مذاکرات با همین اروپایی ها، جمهوری اسلامی برای یک مدتی پذیرفت. خب ما دو سال عقب

افتادیم، لکن به نفع ما تمام شد. چرا؟ چون فهمیدیم که با تعلیق غنی‌سازی، امید همکاری از طرف شرکای غربی مطلقاً وجود ندارد. اگر ما آن تعلیق اختیاری را که البته به‌نحوی تحمیل شده بود، لکن ما قبول کردیم، مسئولین ما قبول کردند آن روز قبول نکرده بودیم، ممکن بود کسانی بگویند خوب یک ذره شما عقب‌نشینی میکردید، همه‌ی مشکلات حل میشد، پرونده‌ی هسته‌ای ایران عادی میشد. آن تعلیق غنی‌سازی این فایده را برای ما داشت که معلوم شد با عقب‌نشینی، با تعلیق غنی‌سازی، با عقب افتادن کار، با تعطیل کردن بسیاری از کارها مشکل حل نمیشود؛ طرف مقابل دنبال مطلب دیگری است؛ این را ما فهمیدیم، لذا بعد از آن شروع کردیم غنی‌سازی را آغاز کردن. امروز وضعیّت جمهوری اسلامی با سال ۸۲، زمین تا آسمان فرق کرده؛ آن روز ما چانه میزدیم سر دو، سه سانتریفیوژ، [در حالی که] امروز چندین هزار سانتریفیوژ مشغول کارند. جوانهای ما، دانشمندان ما، محققین ما، مسئولین ما همت کردند، کارها را پیش بردند. بنابراین از مذاکراتی هم که امروز در جریان است، ما ضرری نخواهیم کرد. البته بنده همچنان که گفتم خوشبین نیستم؛ من فکر نمیکنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به‌دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه‌ی

تجربی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد. ما از مسئولین خودمان که دارند در جبهه‌ی دیپلماسی فعالیت میکنند، کار میکنند، قرص و محکم حمایت میکنیم، اما ملت باید بیدار باشد، بداند چه اتفاقی دارد می‌افتد [تا] بعضی از تبلیغاتچی‌های موجب‌بگیر دشمن و بعضی از تبلیغاتچی‌های بی‌مزد و موجب از روی ساده‌لوحی نتوانند افکار عمومی را گمراه کنند. تحرک دیپلماسی، حضور دیپلماسی کار بسیار لازمی است مسئولینی که این کارها را میکنند، بخشی از کارهایند لکن تکیه بایست بر روی مسائل داخلی باشد. در عرصه‌ی دیپلماسی هم آن کشوری موفق است که متکی باشد به نیروی درون‌زا؛ آن دولتی میتواند در پشت میز مذاکره‌ی دیپلماسی حرف خودش را سبز بکند و به مقصود و نتایج مورد نظر خودش دست پیدا بکند که متکی باشد به یک اقتدار درونی، توانایی‌های درونی؛ حساب میرند از یک چنین دولتی ۹۲/۸/۱۲

من به این اظهارات خوشبین نیستم، اما مخالفت هم ندارم. در این خصوص، چند مطلب را باید روشن کنم: یک مطلب این است که آمریکائی‌ها مرتب پیغام میدهند گاهی مینویسند، گاهی پیغام میدهند که ما قصد تغییر نظام

اسلامی را نداریم؛ به ما اینجور میگویند. جواب این است که ما نگران این نیستیم که شما قصد تغییر نظام اسلامی را داشته باشید یا نداشته باشید، که حالا هی اصرار میکنید که ما این قصد را نداریم. آن روزی هم که شما قصد تغییر نظام اسلامی را داشتید و این را بصراحت اعلام کردید، هیچ کاری نتوانستید انجام دهید، بعد از این هم نخواهید توانست انجام دهید نکته‌ی دوم: آمریکائی‌ها مرتب و پی‌درپی پیغام میدهند که ما در پیشنهاد مذاکره‌ی منطقی صادقیم؛ یعنی صادقانه از شما میخواهیم که مذاکره کنید و مذاکره‌ی منطقی بکنیم؛ یعنی مذاکره‌ی تحمیلی نباشد. من در جواب میگویم: ما به شما بارها گفته‌ایم که در پی سلاح هسته‌ای نیستیم، شما میگوئید باور نمیکنیم؛ ما چرا باید حرف شما را باور کنیم؟! وقتی شما حاضر نیستید یک سخن منطقی و صادقانه را قبول کنید، ما چرا باید حرفی را که شما میزنید که خلاف آن بارها ثابت شده است از شما قبول کنیم؟ برداشت ما این است که پیشنهاد مذاکره از سوی آمریکائی‌ها، یک تاکتیک آمریکائی و برای فریب دادن افکار عمومی است؛ افکار عمومی دنیا و افکار عمومی مردمان. باید شما ثابت کنید این نیست. میتوانید ثابت کنید؟ ثابت کنید. ۹۲/۱/۱